

ابتلاي ۱۱ نفر به تب کريمه کنگو

رئيس دانشکده علوم پزشکی تربت جام از ابتلاي ۱۱ نفر به بيماری تب کريمه کنگو در اين شهرستان خبر داد. محمد افکار در اين باره به ايسنا گفت: تا کنون ۱۶ بیمار مشکوک به بيماری تب خونريزی دهنده کريمه کنگو در شهرستان تربت جام شناسایی شده اند که نتيجه آزمایش ۱۱ نفر اين افراد مثبت اعلام شده است. اين مقام مسئول بيان کرد: ۸ نفر از مبتلایان به اين بيماری از اهالی یک روستا و در یک مهمانی و از یک منبع یکسان آلوده استفاده کرده اند که نتيجه تست همه آن ها مثبت بوده و ۸ نفر ديگر در پراکندي جغرافيايي سطح شهرستان بوده اند که از اين تعداد ۴ مورد منفی، ۳ مورد مثبت و یک مورد نیز در حال پيگیری است. رئيس دانشکده علوم پزشکی تربت جام تاکيد کرد: همه افراد مبتلا به بيماری تب کريمه کنگو به بیمارستان مراجعه کرده و مورد مداوا قرار گرفته اند که خوشبختانه اين بيماری کنترل شده است.

سرقت مسلحانه از طلافروشی

ظهر سه شنبه ۴ سارق مسلح به یک طلافروشی در سلطان آباد بهارستان تهران دستبرد زدند و با یک دستگاه خودرو پژو نقره ای رنگ متواری شدند. مأموران پلیس پس از چند دقیقه در صحنه سرقت حاضر شدند و تحقیقات خود را برای دستگیری سارقان آغاز کردند. متهمان جين سرقت اقدام به شلیک ۹ تير جنگی کردند که خوشبختانه اين حادثه تلفات جانی در بر نداشت. هنوز میزان طلاهای به سرقت برده شده مشخص نیست و پيگیری های پلیسی در اين باره ادامه دارد.

تاریخ نگاری یک دو چرخه شوم (قسمت آخر)

ایلیا موسایی

لایذ برای هر آدمی نقطه ای هست. یک نقطه مهم نامرئی که حتی خودش هم نمی داند کجاست. وقتی به آن نقطه پرسبی یک جورهایی کارت تمام است و آنجاست که طوری همه چیز و همه وجانات می چرخد که خود قدیمی ات را فراموش می کنی. حتما برای حشراتی که عوض می شوند هم همین است؛ لازوهای بید و گرم های ریزی که تیرون حبوبات و آرد تارتنک می تنند و بعد که از پیله می آیند پیوس یک پشه کوره تمام عیار شده اند. همه این ها همچین حسی دارند. عدنان هم آخرش این طور شد. همه ما ایمان داریم و شهادت می دهیم که این بشر یک جایی که دیقش معلوم نیست طاقش تمام شد و حماقت های بشری و آدمیزادی ای که یک نفر در طول زندگی می تواند بلغور کند را به نهایت اعلامی خودش رساند.

آن اوایل طول کشید تا موضوع را درک کنند؛ عدنان و جاسم و دو چرخه ای که حالا توی بالکن داشت می پوسید. از دو چرخه که توقعی نیست و بشر نمی تواند بفهمد توی ذهن وسایل و خرت و پرت ها چی می گذر. جاسم هم وضعی داشت که درست نمی شد تشخیص داد از نظر روحی جزو کدام دسته از مخلوقات به حساب می آید.

عدنان چاره ای نداشت جز اینکه آستین بالا بزند و توی آن اوضاع آشپزی کند. بوی ماهی کپوری که توی ماهیتابه جرزغاله و سیاه شد، بادمجانی که دوسانت ته گزفته، سیب زمینی خلالی که به ماهیتابه چسبیده و خمیر شده، شور بایی که بوی تلخ تریاک گرفته... این ها بوهایی بود که دماغ هایمان هنوز هم به خاطر دارد. یک بار هم عدنان خريت کرد و اتوزدن پیراهنش را خواست روی تخت جاسم انجام دهد. همه ما احتمال می دهیم که نقطه عطف، آن لحظه عجیب، همانا اتفاق افتاد و به صورت زنگ ظاهر شد. جثه لاغر جاسم روی تخت، همیشه فضای خالی جا می گذاشت. کسی زنگ زد و عدنان اتورا کج وکوله تکیه داد و رفت برای بازکردن در. با اینکه طرف نه روده درازی کرد و نه مس مس، وقتی عدنان برگشت دید اتوروی بدن بی حس جاسم چپ شده و یک تای رکابی چرک را سوزانده و به گشت بی حس و خواب رفته تن رسیده. بوی خانه بوی جگرگی بود. عدنان دستپاچه اتورا برداشت و روی زمین پرت کرد و وقتی آن وایر کلفت کنفی را از برق کشید نتوانست جلو گریه اش را بگیرد. همانجا نشست و مثل جمی، گریه سیاهش را زار زد.

بعد از آن عدنان معتاد شد. تبدیل شد به پشه کوره ای که ديگر کرم سابق نبود که گیج و متنگ می لولد. حالا یک ناامید حرفه ای بود که زاله جمع می کرد تا پول فلافل را در بیارود که با سس زرد انبه لیچ شده. چقدر دلش می خواست جاسم مثل قدیم ها جاسم بود که بتواند عصرها فلافل را با او نصف کند. ولی حالا جاسم مثل لوله ای بود که فقط مایعات و سوپ و آش می توانست از آن رد شود.

قضیه ساده اتفاق افتاد. حتما عدنان تکیه داده به دیوار خواب برده بود و وسیع کبریت روشن از لای انگشتش با سیگار نصفه «زر» از لب های دلمه ای اش افتاده روی موکت. شب بود و هیچ کس، حتی ما که بخش مهمی از زندگی آن ها بودیم نمی توانیم روایتش کنیم. چون وقتی رسیدیم و با چشم های خواب آلوده تماشا می کردیم فقط شعله های بزرگ آتش بود؛ زرد و سفیدی که چشم های خمار خواب آزار می دهد. از نظر آدمیزادی شاید فکر کنید جاسم آخرین نفری بود که سوخت. ولی ما مشاهدان واقعی و حقیقی این ماجرا قسم می خوریم که این اواخر تفاوتی بین جاسم و دو چرخه نبود. به این ترتیب دو چرخه آخرین نفر از خاندان قربان پور بود که سوخت. آتش از خود عدنان شروع شد و آخر سر وقتی شراره ها تخت جاسم را می رفتند و از در لبیب می زدند، دوتا لاستیک دو چرخه را آب کردند و دسته ها مثل قبر مذاب چکیدند. آسیب جزئی بود و خدارا شکر دو چرخه سالم ماند. یکی از مأمورهای آتش نشانی که جوان خنده رویی بود و بعد از تمام شدن غائله صورتش مثل دودکش پاک کن ها سیاه و زغالی شده بود، دو چرخه را آورد و به سستون تکیه داد. دو چرخه تا سال ها مثل نمادی از خشکیدن ریشه یک خانواده، با حماقتی بیخود و مسخره، آنجا زیر باران و برف و آفتاب تموز خشک ماند. هیچ کس جرئت دست زدن و نزدیک شدن به آن موجود شوم را نداشت. تا همین پارسال که یکهو غیبش زد و احتمالا معتادی چیزی آن را برداشته که به نمکی بغروشد و آیش کند. غافل از اینکه تاریخ نفرین شده یک خاندان توی حافظه لاغر و فلزی آن رسوب کرده...

پایان



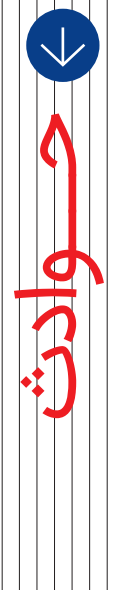
باسمک کد قسمت سوم با اسمک کد قسمت دوم با اسمک کد قسمت اول

شهرآر

روزنامه شهرآر مید وزندگی

دشنبه ۱۹ تیر ۱۳۹۱ ۱۷ آذر ۱۳۹۰ شماره ۲۴۴

۱۲



قتل رقیب بادشنه عشق قدیمی

ماجرای عاشقانه، پشت پرده سناریوی شوهرکشی در شاهنامه بود

محمد جواد ابوعطا
m.abouata@shahraranews.ir

۳ روز از قتل خونین مرد سی و سه ساله مشهدی در بسترش می گذرد. ۳ روز پرتلاطم و پیچیده که تیم جنایی دادسرای ناحیه دو مشهد، به دنبال یافتن سرخ هایی برای حل این معمای غریب بود، سرنخ هایی که آن ها را به جوانی بیست و نه ساله رساند که اتهام قتل همچون بر چسبی برروی پیشانی اش چسبیده بود. این متهم شامگاه سه شنبه و خیلی زودتر از آنچه فکرش را می کرد از سوی کارآگاهان پلیس آگاهی خراسان رضوی دستگیر شد.

ماجرای این قتل شبانه را با تیتیر «ضجه های زن برای قتل شوهر» روز سه شنبه در همین صفحه خواندید. در این پرونده زنی نیمه شب با جسد خونین همسرش در رختخواب روبه رو می شود، او با داد و فریاد از همسایه ها کمک می خواهد تا با دستگیری ۲ مهاجم ناشناسی که به خانه اش یورش برده اند، آب رفته را به جوی برگرداند. اما تنها کاری که از دست همسایه ها برمی آمد، تماس با پلیس و گزارش پر شدن پینامه عمر همسایه شان به دشنه یک غریبه بود.

تحقیقات جنایی از ساعت ۳۴امداد پانزدهم تیرماه آغاز می شود. اولین فردی که به عنوان شاهد در برابر مقام قضایی حاضر می شود همسر بیست و پنج ساله مقتول بود. زنی که در پاسخ به تمام پرسش ها مدعی بود چیزی ندیده و هنگام جنایت خواب بوده است و تنها زمانی از خواب برمی خیزد که سایه کشیده دو مرد را روی دیوار حیاط کوچکشان می بیند، مهاجمانی که به سمت کوجه می دووند و بعد هم با یک خودرو که او فقط صدای تیکاف آن را شنیده از محل می گریزند.

بخشی از این اظهارات درباره نحوه فرار مهاجمان از سوی همسایه ها تأیید می شود محامات همسر و وقوع جنایت به جز زن و کودک چهار ساله اش فرد دیگری درون منزل نبوده

است. در این شرایط ظن و گمان ها به سمت زن جوان بازمی گردد، زنی که انگار در خواب مرگ بوده و سهمش از دیدن این همه هیاهو و جنجال، هیچ بوده است.

● آغاز تحقیقات از همسر مقتول

زن بیست و پنج ساله که نتوانسته بود در اظهارات اولیه اش پرده های ابهام را برطرف و ظن مقام قضایی را به خودش مرتفع کند، به عنوان تنها مظنون پرونده تحت بازجویی قرار گرفت.

همین سرنخ کوچک موجب شد تا مأموران دامنه تحقیقاتشان را گسترده تر کنند و در جست و جوی فردی برآیند که تنها یک پروفایل در فضای مجازی از او داشتند. تیم جنایی با شگردهای ویژه خود خیلی زود توانست هویت متهم که مردی بیست و نه ساله بود را به دست

زن جوان که دید حنایش دیگر رنگی ندارد، بالاخره یک سرنخ کوچک که توانست دره های بزرگی از پرونده بگشاید را به مأموران داد. او در اعترافات جدیدی اعلام کرد که چندی پیش در شبکه اجتماعی اینستاگرام

با مردی غریبه آشنا شده که پس از چندی این فرد از او خواستگاری کرده است. زن جوان مدعی شد که چون شوهر داشته، این رابطه مرگ بوده و سهمش از دیدن این همه هیاهو و جنجال، هیچ بوده است.

● به دنبال یک مرد مجازی

همین سرنخ کوچک موجب شد تا مأموران دامنه تحقیقاتشان را گسترده تر کنند و در جست و جوی فردی برآیند که تنها یک پروفایل در فضای مجازی از او داشتند. تیم جنایی با شگردهای ویژه خود خیلی زود توانست هویت متهم که مردی بیست و نه ساله بود را به دست

بیابارد. گام بعدی دستگیری متهم بود که شامگاه سه شنبه با دستور قاضی احمدی نژاد میسر شد و این فرد در مشهد دستگیر شد. متهم بیست و نه ساله در معرفی خود به تیم جنایی اعلام کرد که متاهل است و ۳ فرزند



عکس تالیفین است

دارد. او قصد انحراف تحقیقات جنایی را داشت اما نتوانست نقشش را در این جنایت انکار کند. زن جوان مشخصات کاملی از او داده بود و همین سرنخ او را گرفتار کرده بود.

● زن از من خواست تا او را بکشم

متهم که دیگر راهی به جز بیان حقیقت پیش رویش نداشت، با پرده برداشتن از یک ماجرای عاشقانه قدیمی، جزئیات ماجرا را از سالیان دور روایت کرد، جایی که پدران او و زن جوان همسایه بوده اند و آن ها از همانجا همدیگر را می شناخته اند.

او از سال ها دوری و سر خوردگی عشقی اش می گوید، تا اینکه در نهایت نیمه گمشده اش را پس از سال ها دوری و با وجود داشتن همسر و ۳ فرزند، در فضای مجازی پیدا می کند، اما مشکلات بزرگ تری پیش رویش بوده و مهم ترین آن متاهل بودن زن جوان و داشتن یک فرزند بوده است.

متهم به قتل نمی خواسته دوباره عمری را با حسرت بگذراند، بنابراین برای حل مشکلات زن جوان، موضوع را با او در میان می گذارد

و هر دوه حذف فیزیکی شوهر بی نوای زن جوان متفق القول می شوند. هر چند مرد ادعا کرد که با در خواست زن جوان دست به این جنایت زده است.

● همکاری برای قتل شوهر

نحوه ورود به این منزل ویلایی در خیابان شاهنامه ۱۸ بدون جلب توجه یا تخریب در ورودی یکی از موضوعاتی بود که نظر مقام قضایی را به خود جلب کرد. متهم به قتل در اعتراض صریح اعلام کرد که زن از او خواسته تا همسرش را بکشد و آن ها از پیش نقشه قتل را هماهنگ کرده بودند و زن که نمی خواسته مشکلی پیش بیاید، شبانه در حیاط را باز می گذارد تا متهم و یکی از دوستانش بدون در دسر و جلب توجه وارد خانه شوند.

متهم به قتل با چاقویی که در دست داشته به همراه یکی از رفقایاش وارد خانه می شوند. آن ها با مختصاتی که زن اعلام کرده، مستقیم به سراغ این مرد بی دفاع که در خواب بوده می روند. مهاجم دیگر هم برای اینکه دست خالی نباشد، پاره آجری را از حیاط برمی دارد که هنگام جنایت با همان آجر چند ضربه به سر مقتول می زند.

درگیری آن ها هم بی صدا بوده است و هیچ یک از همسایه ها متوجه سروصدایی غیر عادی نمی شوند، متهم نیز با چاقوی تیزی که همراه داشته ۳ ضربه مهلک به قفسه سینه مقتول می زند، ضرباتی که مرگ او را رقم می زند. درگیری بدون صدای مهاجمان با مقتول این شائبه را ایجاد می کند که احتمالا زن داروی خواب آور به شوهرش خورانده و مقتول نتوانسته با سر و صدا و کمک خواهی از همسایه ها کمک بگیرد یا به درستی از خود دفاع کند. موضوعی که به گفته قاضی احمدی نژاد، با زیرس و ویژه قتل دادسرای عمومی و انقلاب ناحیه دو مشهد، در ادامه بازجویی ها از زن لحاظ خواهد شد، هر چند که زن جوان مهر سکوت برلب زده و صحبت جدیدتری نکرده است.



ایستگاه سی ویتمچم

ایمن سازی معبر و قطع جریان برق خودرو بلافاصله وارد عمل شدند و با استفاده از تجهیزات مربوط راننده تاکسی را راه سازی کرده و تحویل اورژانس دادند.

ایمن سازی و بازگشایی معبر در اختیار عوامل راهنمایی و رانندگی قرار گرفت. از شواهد موجود پیداست که ظاهرا راننده تاکسی برای یک لحظه پشت فرمان خوابش برده و دچار این حادثه شده است.

مرگ راننده آریسان زیر چرخ های بنز

بی احتیاطی رانندگان ۴ خودروی سبک و سنگین در مشهد کار دستشان داد

مهدی قرآنی

m.ghorani@shahraranews.ir

درست چند متر آن طرف تر از ایستگاه سی و هشتم آتش نشانی در نیم روز سه شنبه و در حاشیه صدمتری مشهد تصادفی دل خراش اتفاق افتاد. صدای مهیب ترمز کامیون یک لحظه همچون صدای وال در اقیانوس به صورت کش دار به گوش رسید. آن دسته از مأموران آتش نشانی که در محوطه ایستگاه قرار داشتند و از قضا شاهد این سانحه رانندگی بودند، بلافاصله با به میدان حادثه گذاشتند و دیگر آتش نشان ها هم با چند ثانیه تأخیر به جیم جمع شدند.

کامیون بنز به علتی نامشخص با دو خودروی پژو ۲۰۶ بدون صندوق و وانت بار آریسان بر خورد کرده بود. چند متر بعدتر هم مردی جوان در حالی که از ناحیه سر دچار جراحات شدید شده بود و خون ریزی

زیادی داشت روی آسفالت بی حرکت افتاده بود. راننده خودروی ۲۰۶ هم داخل خودرواش گرفتار و مصدوم شده بود که مأموران در همان دقایق ابتدایی دستس به کار شدند و موضوع را به اورژانس و پلیس اعلام کردند. مرد جوانی که کف آسفالت

افتاده بود به دلیل شدت جراحات وارده به ناحیه سرش فوت کرده بود که این موضوع در معاینه اولیه تکنسین های اورژانس تأیید شد. آتش نشانات ایستگاه ۳۸ در ادامه این عملیات خود پس از بازگشایی در خودروی ۲۰۶ راننده آن را بیرون کشیدند و تحویل اورژانس دادند. آنچه از شنیده ها پیداست؛

راننده ۲۰۶ ظاهرا دهیار یکی از روستاهای اطراف مشهد بود. راننده وانت بار (متوفی) نیز از هم ولایتی های راننده ۲۰۶ بوده است. متوفی هم ولایتی خود را در حد فاصل میدان امام حسین (ع) و میدان

● تصادف خونین با اتوبوس

بعد از گذشت حدود ۲۴ ساعت سانحه رانندگی دیگری در یکی از خیابان های مشهد رخ داد و این بار تیمی از نجاتگران

خانواده	مجاوب	دشنام	کافی	طاهر	انتقام گیر	طاقچه بالا	ماه اول
میمون ها	توک بزشکی تخت شاهی	جمع سنت صوت ندا	خضاب در بست	اندرز صدمتر مربع	قلیل ضمیر غایب	نشان مفعول هیاهو	فیلم ملاقای پور
واژه		ابزار کار		فقر مصنوعی	نوعی	حرف پیروزی	
واژه	تندر حسگر الکترونیکی	مقابل	خ	ب	ف	ن	ک
از چاشنی ها	ماه سرد	آنا لوگ	خ	ب	ف	ن	ک
بوی رطوبت	کانادا	فرمان	خ	ب	ف	ن	ک
تقاحت زده	انومبیل		خ	ب	ف	ن	ک
پایان			خ	ب	ف	ن	ک
فلز چهره			خ	ب	ف	ن	ک
دندان			خ	ب	ف	ن	ک
کند کاری			خ	ب	ف	ن	ک
سنگریزه			خ	ب	ف	ن	ک
وساطت			خ	ب	ف	ن	ک
آلونک			خ	ب	ف	ن	ک
نام ترکی			خ	ب	ف	ن	ک
مزرعه			خ	ب	ف	ن	ک
بازرگانی			خ	ب	ف	ن	ک
متمهم به			خ	ب	ف	ن	ک
مدت ۶ ماه			خ	ب	ف	ن	ک
تعلیق واو			خ	ب	ف	ن	ک
به پرداخت			خ	ب	ف	ن	ک
مبلغ ۲۸۵			خ	ب	ف	ن	ک
هزار و ۳۳۱			خ	ب	ف	ن	ک
پورو در حق			خ	ب	ف	ن	ک
بانک شاک			خ	ب	ف	ن	ک
محکوم شد			خ	ب	ف	ن	ک

جدول شماره: ۲۹۶۹

سید مرتضی مدنی، مدیر کل تعزیرات حکومتی استان خراسان

رضوی: فردی که در قبال دریافت ارز ارزان قیمت از یکی از بانک های استان متعهد به وارد کردن کالا شده بود به دلیل اینفانکردن تعهد، به این سازمان معرفی شد.

پس از احراز تخلف کارت بازرگانی

متمهم به مدت ۶ ماه تعلیق واو به پرداخت مبلغ ۲۸۵ هزار و ۳۳۱ پورو در حق بانک شاک

محکوم شد.